

بررسی تطبیقی نقش توبه در سقوط حدود در فقه امامی و حنفی

عبدالغفور وطن جار^۱ | محمد عیسی هاشمی^۲

چکیده

سقوط مجازات یکی از مباحث بنیادین در حقوق جزای اسلام و قوانین جزایی مدون است. در این میان، مجازات حدود به عنوان یکی از اقسام مهم مجازات‌ها، برای جرائم خاص در شرع تعیین شده و از طریق نصوص شرعی به قوانین راه یافته است. یکی از عوامل مؤثر بر سقوط این نوع مجازات، مسئله «توبه» است که در متون اسلامی جایگاهی ویژه دارد. پرسش اصلی این تحقیق آن است که «توبه در فقه امامی و حنفی چه جایگاهی داشته و قلمرو تأثیر آن بر سقوط مجازات‌های حدود چگونه است؟». هدف اصلی پژوهش، بررسی تطبیقی نقش و کارکرد توبه در سقوط مجازات حدود در این دو مکتب فقهی است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای است و داده‌های لازم از کتاب‌ها، مقالات، تحقیقات پیشین و منابع معتبر فقهی گردآوری و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در فقه امامی، توبه یکی از مهم‌ترین عوامل سقوط مجازات‌های حدی است؛ به گونه‌ای که تمامی حدود از جنبه «حق الهی» آن‌ها با توبه ساقط می‌شوند. ادله اصلی این دیدگاه، آیات قرآن کریم و روایات عام و خاص در باب توبه است؛ اما در فقه حنفی، توبه تنها در مورد «محاربه» و آن هم قبل از دستگیری مجرم، سبب سقوط مجازات می‌گردد و نسبت به سایر حدود تأثیری ندارد. استدلال فقهای حنفی نیز بر نصوص خاص، عام بودن آیات حدود و جلوگیری از تعطیلی احکام حدود استوار است. تفاوت بنیادین این دو دیدگاه در این است که فقه امامی توبه را عام و شامل تمامی حدود از جنبه حق الهی می‌داند، در حالی که فقه حنفی دامنه آن را محدود به محاربه می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: توبه، حدود، سقوط حدود، فقه امامی، فقه حنفی

۱. ماستری فقه قضایی، دانشکده فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان.

۲. دکتری فقه قضایی، دانشکده فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان.

آدرس ایمیل: d.m.eisa.mohammadi@gmail.com

مقدمه

توبه یکی از ارزش‌ها و ویژگی‌های برجسته در حقوق جزای اسلام است که بر اساس قرآن و سنت به مثابه فرصتی برای مجرم در نظر گرفته شده تا از رفتار نادرست خود پشیمان گردد و مسیر اصلاح را در پیش گیرد. توبه افزون بر آثار اخروی، دارای پیامدهای دنیوی نیز است. از آنجاکه میزان تأثیر توبه در مجازات‌های دنیوی، میان فقها و حقوق‌دانان اسلامی محل اختلاف است، بررسی کارکرد آن در نظام جزایی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این زمینه دیدگاه‌های متعددی در فقه اسلامی وجود دارد؛ اما در این پژوهش قلمرو بحث به فقه امامی و فقه حنفی محدود شده است. بر اساس دیدگاه فقه حنفی، توبه صرفاً در جرم محاربه مؤثر است و آن هم مشروط به اینکه محارب پیش از دستگیری توسط قوای حکومتی توبه کرده باشد؛ زیرا در نصوص شرعی تنها نسبت به محاربه حکم صریح وارد شده و در سایر حدود چنین نصی وجود ندارد. در مقابل، فقه امامی با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معتبر معتقد است که توبه می‌تواند موجب سقوط تمامی مجازات‌های حدی از جنبه «حق‌اللهی» شود و بدین‌سان قلمرو وسیع‌تری در حقوق جزای اسلام دارد. مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش توبه در سقوط مجازات‌های مربوط به جرائم مستوجب حد از منظر فقه امامی و فقه حنفی است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که هر دو مکتب فقهی در ارتباط با تأثیر توبه به‌عنوان یکی از اسباب سقوط مجازات حدود، دارای نقاط اشتراک و افتراق قابل توجهی هستند. از سوی دیگر، مبانی استدلالی و ادله‌ای که فقهای امامی و حنفی برای اثبات دیدگاه خود ارائه کرده‌اند، متفاوت است و این تفاوت‌ها ضرورت انجام پژوهشی جامع، مستدل و تطبیقی را آشکار می‌سازد. بر همین اساس، پرسش محوری تحقیق این است که توبه از دیدگاه فقه امامی و حنفی چه جایگاهی در سقوط مجازات‌های حدی دارد و این تأثیر تحت چه شرایط و قیودی تحقق می‌یابد؟ همچنین، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو مکتب در این زمینه، قلمرو و محدوده تأثیر توبه بر سقوط مجازات‌ها را روشن‌تر می‌سازد.

بر این مبنا، پژوهش حاضر با اهداف مشخصی دنبال شده است: نخست، بررسی قلمرو و دامنه تأثیر توبه در سقوط حدود بر پایه دیدگاه‌های فقه امامی و حنفی؛ دوم، تحلیل شرایط



و اوضاع و احوالی که در آن‌ها توبه می‌تواند به کاهش یا سقوط مجازات منجر گردد؛ و سوم، تبیین نقاط تفاوت و اشتراک میان این دو مکتب فقهی در تبیین نقش توبه به‌عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات‌های حدی. دستیابی به این اهداف می‌تواند نه تنها جایگاه نظری توبه را در فقه اسلامی روشن سازد، بلکه در تبیین ابعاد حقوق جزای اسلام نیز نقش مؤثری ایفا کند.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. توبه

توبه در لغت به معنای بازگشت یا بازگشت از گناه است (ابن فارس، ۱۴۱۱: ۱، ۳۵۷). هرچند مفهوم اصطلاحی «توبه» از معنای لغوی آن دور نیست؛ اما تعاریف متعددی ارائه شده است. از جمله: پشیمانی و برگشتن از گناه از آن جهت که گناه است نه از آن جهت که مثلاً برای بدن مضر است و عزم بر اینکه در صورت توانایی بدان بازنگردد. امام محمد غزالی توبه را علم به عظمت گناه و پشیمانی و عزم بر ترک آن در حال و آینده و جبران گذشته می‌داند (الغزالی، ۱۴۰۶: ۴، ۳).

۱-۲. سقوط مجازات

سقوط در لغت به معنای افتادن و فرود آمدن بر زمین (عمید، ۱۳۸۸: ۵۸۳) و در اصطلاح علم حقوق، به معنای از بین رفتن جرائم و مجازات است که در صورت موجودیت عوامل آن، جرائم و مجازات به شکلی کلی یا قسمی ساقط شده و قابلیت تطبیق ندارد. مجازات در لغت به معنای پاداش نیکی و بدی و خصوصاً پاداش یا سزای بدی دادن است (معین، ۱۳۸۷: ۹۶۹). ولی در اصطلاح علم حقوق جزایی است که به خاطر نقض قوانین یا ارتکاب جرم بر شخص مجرم مطابق احکام قانون تطبیق می‌گردد. جزا مؤیدیه‌ای است که در قانون برای اعمال جرمی پیش‌بینی شده و از طرف محکمه در مورد مرتکب با رعایت اساسات این قانون، جاری می‌شود (بشری، ۱۴۰۲: ۱۸).

۱-۳. حدود

حد در لغت به معنای دفع، بازداشتن از کاری، تیز کردن، جدا کردن چیزی از چیزی و حائل



میان دو چیز، نهایت هر چیزی، اندازه و مقدار حکم شرعی، مرز و غیره آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶، ۸۷۸۵). حد همچنین به معنای عقوبت نیز آمده است (معلوف، ۱۳۸۲: ۱۲)؛ زیرا مانع ارتکاب جنایت و معصیت می‌شود. حد در اصطلاح فقیهان تعاریف متعددی دارد که این تعاریف به دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. اعمال ممنوعه شرعی که خداوند مرتکبان آن‌ها را با مجازات معینی که حق او ایجاب می‌کند، سزا می‌دهد (العوا، ۱۳۸۵: ۹۴). در این تعریف کلمه حد بر جرم اطلاق می‌شود، مثلاً وقتی گفته می‌شود حد سرقت، منظور جرم سرقت است.

۲. مجازات‌های واجبی که از طرف شارع مشخص شده و حق‌الله هستند (محمدی، ۱۳۷۴: ۳-۴). به عبارت دیگر مجازات مقرر و مخصوص که نوع و مقدار آن از سوی قانون‌گذار اسلامی معین شده و مانع بازگشت مرتکب به انجام دوباره آن فعل می‌گردد (ابوزهره، بی‌تا: ۶۴).

۲. جایگاه توبه در حقوق کیفری اسلام

توبه در شریعت و فقه اسلامی جایگاه خاصی دارد. خداوند در قرآن کریم علاوه بر تشویق مرتکبین گناه به توبه، آن را راهی برای جبران گذشته از سوی خود اعلام نموده است: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَبْدِلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان: ۷۰)؛ «یا ایها الذین آمنوا توبوا إلى الله توبةً نصوحاً عسى ربکم أن یکفر عنکم سیئاتکم ویدخلکم جنات تجری من تحتها الأنهار...» (تحریم: ۸). البته توبه به معنای صرف پشیمانی و بازگشت از گناه نیست، بلکه این پشیمانی در صورتی معتبر است و توبه به حساب می‌آید که همراه با اصلاح گذشته باشد. چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ» (مائده: ۳۹).

امام علی توبه را چنین معنا می‌کند: «التوبة ندم بالقلب و استغفار باللسان و ترک بالجوارح و اضممار أن لا یعود». توبه از چهار چیز تشکیل می‌شود: اول پشیمان شدن قلبی؛ دوم آن پشیمانی در قالب استغفار به زبان جاری گردد؛ سوم در کنار آن دو، ترک معاصی و رها کردن فسادهای گذشته تحقق یابد. چهارم تصمیم بر این‌که در آینده نیز آن گناهان و فسادها تکرار نگردد به هر حال پشیمانی از گذشته و تصمیم بر ترک کردار زشت در آینده و



ابراز این حالت با ذکر استغفار، بدنه اصلی توبه را تشکیل می‌دهند (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۱۶) علمای اخلاق مقصود از توبه را «بازگشت به خدا با خالی ساختن دل از معصیت و رجوع از دوری درگاه الهی به قرب و نزدیکی» بیان کرده‌اند (نراقی، ۱۴۰۹: ۳۸).

۳. پیشینه تحقیق

بررسی‌های صورت گرفته در خصوص موضوع مورد بحث، نشان می‌دهند که توبه یکی از موضوعات ارزشمند، کاربردی و مهم بوده و به‌صورت گسترده مورد توجه محققین و نویسندگان بوده است. بنابراین تحقیقات در این زمینه فراوان است؛ اما آنچه تحقیق حاضر را از تحقیقات دیگر متمایز می‌سازد این است که در این تحقیق نقش توبه در سقوط مجازات مستوجب حد به‌صورت تطبیقی در فقه امامی و حنفی مورد بررسی قرار می‌گیرد، درحالی‌که در تحقیقات موجود به‌صورت ضمنی به موضوع پرداخته و بحث تطبیقی، جامع و مستدل در خصوص این موضوع با قلمرو فعلی آن ننموده است. در ذیل به عمده‌ترین تحقیقات موجود اشاره می‌گردد:

۱. محرمی (۱۳۹۲) در تحقیق خویش تحت عنوان «بررسی ادله نقش توبه در سقوط مجازات‌های منافی عفت از دیدگاه فریقین» بدین نتیجه رسیده است که در دین اسلام توبه علاوه بر آثار معنوی و اخروی، در سقوط مجازات برخی از گناهان نیز نقش اساسی دارد. در جرائمی مانند زنا، لواط، مساحقه، قیادت و غیره اگر توبه پیش از اثبات جرم انجام شود، بنابر نظر مشهور فقهای شیعه حد ساقط می‌گردد. در میان علمای اهل سنت برخی با تمسک به اطلاق برخی آیاتی که در مورد اجرای حدود نازل شده بر این باورند که توبه موجب سقوط مجازات این جرائم نمی‌گردد، در مقابل تعدادی از فقهای اهل سنت با استناد به آیات، روایات صادره از پیامبر اسلام (ص) معتقدند که توبه موجب سقوط حد می‌گردد؛ اما اگر توبه پس از شهادت شهود انجام شود، مشهور فقهای امامیه قائل به عدم سقوط حد هستند و تنها برخی از فقهای شیعه قاضی را بین عفو و حد مخیر می‌دانند. در بین علمای اهل سنت در این باره سخنی به میان نیامده است. توبه مجرم اگر پس از اقرار وی به این گناهان باشد، مشهور فقهای امامیه قاضی را مخیر در عفو و حد می‌دانند. علمای اهل سنت در این مسئله رجوع از اقرار را مورد

بحث قرار داده‌اند که از نظر ماهوی با توبه تفاوت دارد و جمهور فقهای اهل سنت رجوع را پذیرفته‌اند. در باب توبه از قذف نیز باید گفت که همه علما معتقدند که حد ساقط نمی‌شود؛ زیرا قذف حق الله است.

۲. محمدی (۱۳۹۸) تحقیقی تحت عنوان «نقش توبه در سقوط مجازات‌های حدی در فقه و حقوق ایران» انجام داده است. در این تحقیق توبه یکی از بهترین شیوه‌های جلوگیری از جرم و اصلاح مجرمان مورد بررسی قرار گرفته و با تأمل در آیات و روایات و نیز سخنان حقوق‌دانان و فقهای اسلام (اعم از شیعه و اهل سنت)، استنباط شده که برای توبه، ندامت حقیقی و عزم بر ترک گناه برای همیشه کافی است و انجام آن نیاز به لفظ و اعمال خاصی ندارد. در بررسی‌های به دست آمده در این تحقیق روشن شده است که اگر مجرم پس از اقرار توبه کند، قاضی مخیر است که از ولی امر برای او تقاضای عفو کند یا مجازات را در حق وی اعمال کند؛ اما توبه پس از اقامه بینه هیچ اثر حقوقی ندارد.

۳. آقا پور و پور جمال (۱۴۰۰) با پژوهشی در مورد «جایگاه نهاد توبه در سقوط مجازات حد از منظر فقه و قانون» بیان می‌دارند که فقها بر وجوب توبه اتفاق نظر دارند و تأخیر و تسویف آن را جایز نمی‌دانند. به اتفاق و اجماع فقهای شیعه و اهل سنت، توبه متهم قبل از دستگیری و اثبات جرم، موجب سقوط مجازات حد می‌شود. همچنین بر اساس یافته‌های این تحقیق، نقش توبه مجرم بعد از اثبات جرم با اقرار خویش، در میان فقها اختلافی و اکثر آن‌ها قائل به عفو هستند، ولی اهل سنت قائل به سقوط مجازات هستند و نیز توبه مجرم، بعد از اثبات جرم با بینه، موجب سقوط مجازات حد نمی‌شود.

۴. امامیان و نبی پور (۱۳۹۷) در تحقیقی پیرامون «نقش توبه در سقوط حد از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه» به این نتیجه رسیدند که توبه رافع مسئولیت کیفری در جرائم حق الله بوده و توبه قبل از اثبات جرم را موجب سقوط حد می‌دانند، لکن در جرائمی که جنبه حق الناس دارند، موجب سقوط مجازات نیست. لازم به ذکر است که توبه بعد از اثبات جرم توسط بینه را موجب سقوط مجازات نمی‌دانند و اگر مجرم بعد از اقرار توبه کند، قاضی مخیر است که از ولی امر برای او تقاضای عفو کند یا مجازات را در حق



وی اعمال کند؛ اما توبه بعد از اقامه بینه هیچ اثر حقوقی ندارد.

۵. مصلح (۱۳۹۶) در تحقیقی پیرامون «نقش توبه در جرائم حدودی و تعزیری از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» به این نتیجه رسیده که توبه یکی از عوامل بازگشت به سوی خدا است که در مواردی موجب سقوط مجازات‌ها می‌شود. براساس یافته‌های این تحقیق، مشهور فقهای امامیه توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم و حتی بعد از اقرار را موجب سقوط مجازات می‌داند، لیکن اگر جرم با شهادت شهود ثابت شده باشد، آن را بی‌اثر می‌دانند.

۶. طاهری (۱۳۸۹) با مطالعه در مورد «نقش توبه در اسقاط حدود» بدین نتیجه رسیده که با دقت در آیات و روایات و سخنان فقها در کتب فقهی معلوم می‌گردد که توبه یکی از عوامل سقوط مجازات شمرده شده است؛ به گونه‌ای که نقش توبه در رفع مجازات، در جرائم حق‌الله مورد پذیرش فقهای اسلام قرار گرفته است و آنان سقوط مجازات مجرمان را قبل از اثبات جرم، به وسیله اقرار یا شهادت شهود، اثر اصلی توبه دانسته‌اند.

۴. نقش توبه در سقوط حدود در فقه امامی و ادله آن

قائلان به سقوط حد با توبه قبل از اثبات، ادعای عمومیت و کلیت آن را دارند؛ به گونه‌ای که حکم اسقاط را فراتر از موارد ادله به تمامی مصادیق حدود تعمیم داده‌اند. در ذیل به مهم‌ترین ادله موجود پرداخته می‌شود:

۴-۱. آیات قرآن کریم

فقهای امامیه به آیاتی از قرآن به اسقاط مجازات توسط توبه استناد می‌کنند. مانند آیه ۳۹ سوره مائده، آیه ۵ سوره نور و آیه ۱۶ سوره نساء؛ اما فقط تعداد معدودی از آن‌ها مستند حکم فقهی قرار گرفته‌اند که برخی آن را نشانه مہجوریت قرآن دانسته‌اند (جواد آملی، ۱۳۹۰: ۱۸، ۸۹). همچنین آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مائده، که سقوط حد محاربه با توبه را بیان می‌کند و در مقام استدلال گفته شده است اگر حد محاربه که شدیدتر از برخی اقسام سایر حدود است، با توبه قبل از دستگیری ساقط شود به طریق اولی حدود دیگر با توبه ساقط خواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۲۴۲). از آنجاکه مورد آیه حق‌الله است، تأثیر توبه در

حدودالله را می‌توان به‌صورت کلی از آیه استفاده نمود.

۲-۴. روایات عام

فقها در شبهات موضوعیه عموم مرسله «ادرئوالحدود بالشبهات» را مستند قرار داده و به اسقاط حد باورمند بوده‌اند؛ زیرا از جمله موارد تحقق شبهه، عارض شدن شبهه توبه است و احراز حتمی توبه لازم نیست، بلکه همین‌قدر که شبهه توبه موجود باشد، در سقوط جزاها کفایت می‌کند و این در صورتی است که می‌توان در مقابل شخص مرتکب به استصحاب عدم توبه استناد کرد؛ اما به آن نمی‌توان تمسک جست، ولی به قاعده «درء» عمل می‌شود؛ زیرا حدود بر اساس تخفیف و مسامحه است، الا آن‌که توبه نکردن وی آشکار گردد (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۴). تعدادی دیگر از صاحب‌نظران استناد به حدیث فوق را در قضایایی مبهم جایز نمی‌دانند و اخذ به‌قدر متیقن را لازمی دانسته‌اند (خویی، ۱۳۹۶: ۱-۲، ۱۶۸).

۳-۴. روایات خاص

در مورد توبه در همه روایات عام از روایات خاص هم چنان می‌توان استفاده نمود. در جایی که پس از توبه، شبهه حکمیه مبنی بر سقوط حد است. به عبارت دیگر در تفاوت میان استصحاب عقوبت و سقوط مجازات، مقدم‌تر کدام است؟ تئوری که منزلت روایات عام را از جنبه سند و دلالت تمام می‌داند و آن را به‌عنوان یک اصل پذیرفته است با حاکم کردن اماره بر اصل به نبود عقوبت تاکید دارد و اعتقاد رقیب استصحاب استحقاق عقوبت را جلوتر و حد را تطبیق می‌کند.

۵. آثار حقوقی توبه در فقه امامیه

۱-۵. توبه از جرائم منافی عفت

برای بیان دقیق تأثیر و نقش توبه در سقوط مجازات حدی، لازم است تا برخی از جرائم منافی عفت را مورد بحث و بررسی قرار دهیم:

۱-۱-۵. حکم توبه در حد زنا

زنا یکی از بزرگ‌ترین جرائم حدی است و مجازات سنگین برای مرتکب آن از جانب شارع



تعیین شده است. حالا اگر شخصی مرتکب جرم زنا، توبه کند، حکم شارع تغییر می‌کند؟ اگر شخص زانی قبل از تثبیت آن توبه کند، به عقیده اکثر فقهای امامیه، مجازات حد از او برداشته می‌شود (خویی، ۱۴۲۲: ۴۱، ۱۸۵). اگرچه در این مورد دو تن از فقهای امامی (خویی و تبریزی) با شبهه در ادله قول مشهور، هم‌عقیده نیستند. این دو فقیه معتقدند که صرف در مجازات حد سرقت و محاربه بنا به دلایل خاص، مجازات حد توسط توبه قبل از اثبات ساقط می‌شود، حد زنا و سایر حدود قبل از اثبات با توبه، ساقط نمی‌شود (همان، ۱۸۵).

اگر زانی به عمل زنا اعتراف و بعد از آن توبه کند، فقهای امامیه معتقدند که امام در اجرای مجازات حد و بخشیدن او صلاحیت دارد؛ چه مجازات حد این زنا کننده، تازیانه باشد یا سنگسار. در خصوص حدی که مجازات آن سنگسار است، صاحب جواهر می‌نگارد: «هیچ اختلافی در آن، میان فقهای نیافتم، بلکه بنابر آنچه در سرائر نقل شده است فقها بر آن اجماع دارند» (نجفی، ۴۱: ۲۹۳)؛ اما در مورد تازیانه ابن ادریس اعمال آن را معین و حتمی دانسته و اختیار را به حد سنگسار مختص نموده است.

۵-۱-۲. حکم توبه در حد لواط

برای مرتکب این عمل قبیح، مجازات سنگینی تعیین شده است. حال اگر مرتکب توبه کند، آیا توبه این فرد بر سقوط مجازات او مؤثر است؟

اگر مرتکب جرم لواط، پیش از اثبات جرمش توبه کند، طبق دیدگاه مشهور فقهای امامی، اجرای حد از وی ساقط می‌گردد (همان، ۳۸۷). ادله اکثر فقهای امامیه در این مورد پیش از اثبات آن است که در مورد زنا بیان شد؛ اما فرد مرتکب، پس از شهادت شهود توبه کند، اکثر فقهای امامی بر این باورند که حد از مرتکب ساقط نمی‌گردد (همان). معتبره طلحة بن زید و استصحاب، ادله فقهای امامی در این مورد است. برخی فقها هم بر این باورند که اگر مرتکب جرم لواط، پس از اعتراف به جرم توبه کند، امام در اعمال مجازات حد صاحب اختیار است (همان). مهم‌ترین ادله موجود در این زمینه روایات است.

۵-۱-۳. حکم توبه در حد مساحقه

پرسش مطرح در اینجا این است که اگر شخص مرتکب مساحقه توبه کند، آیا تأثیر بر



مجازات این جرم دارد؟ در جواب به سؤال فوق می‌توان گفت موضوع از جوانب مختلف قابل بحث و بررسی است. اگر فرد پیش از اثبات جرم توبه کند، اکثر فقهای امامی به سقوط حد مساحقه نظر داده‌اند (همان، ۱: ۳۹۰)، استناد آن‌ها به ادله‌ای است که در حد زنا و لواط بیان شد؛ اما اگر پس از شهادت شهوت توبه کند، اکثر فقهای امامیه به عدم سقوط حد به واسطه توبه نظر داده‌اند، ادله آن‌ها همان است که در حد زنا و لواط بیان شد (همان). اگر پس از اعتراف به جرم توبه کند، حاکم در اعمال مجازات حد یا عفو مجرم، ذی اختیار است (همان، ۴۱: ۳۹۰).

۵-۱-۴. حکم توبه در حد قیادت

در این باب نظر فقهای امامیه همان حکم و دلایلی است که در باب حد زنا، لواط و مساحقه به‌طور مفصل بیان شد.

۵-۱-۵. حکم توبه در حد حذف

توبه ساقط‌کننده حق الناس نیست و توبه‌کننده باید اول حق مردم را بازگرداند و قذف نیز از مجموعه جرائمی حق الناس است. از این جهت توبه نمی‌تواند حد قذف را ساقط کند. بر اساس آیات ۴ و ۵ سوره نور، سه حکم بر قذف مترتب است؛ شلاق زدن قذف‌کننده، نپذیرفتن شهادت و فاسق بودن او مگر در صورتی که توبه کند.

توبه قاذف این‌گونه است که در مقابل اشخاصی که قذف نموده یا در مقابل مجموعه از مسلمانان یا در مقابل هردو جانب، خود را تکذیب کند. بنابراین وقتی که قاذف خود را تکذیب و سپس توبه کند تا اینکه به شخص نیکوکار تغییر کند، از فسق خارج شده و شهادتش قبول می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۴۰۸: ۴۴۲).

۵-۲. نقش توبه در سایر جرائم حدی

۵-۲-۱. حکم توبه در حد شرب مسکر

فقهای امامیه بر این نظرند که شرب مسکر تمام مسکرات را شامل شده و حرمت آن مختص خمر نیست و تحریم آن اختصاص به اندازه مست کردن شخص استفاده‌کننده ندارد. بلکه هر ماده‌ای که خواصش مست‌کنندگی باشد و اکثراً این حالت را به وجود آورد، ولو عده‌ای را متأثر نسازد و مست نکند، نوشیدن یک قطره آن حرمت دارد (شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۱۹۷).



حال اگر مرتکب شرب مسکر، پیش از اقرار یا پیش از شهادت شهود توبه کند، آیا حد از او ساقط می‌شود؟ فقهای امامیه اکثراً به این نظرند که توبه در این مورد ساقط‌کننده حد است و دلیل آن‌ها روایت جمیل بن دراج است (حر عاملی، بی‌تا: ۱۳۳۸).

در روایت جمیل بن دراج در مورد حکم کسی سؤال شده که سرقت کرده، یا مست کرده، یا مرتکب جرم زنا شده و جرم او به اثبات نرسیده و توبه کرده و شخص صالحی شده است. امام در جواب می‌فرماید: «اگر فرد مرتکب یکی از جرائم نامبرده توبه کند و عمل نیکو انجام دهد، مجازات حد بر او اعمال نمی‌گردد». این روایت بیانگر این است که مرتکب جرم شرب خمر، در صورتی که جرم او به اثبات نرسیده باشد و توبه کند، مجازات حد بر او اعمال نمی‌گردد، ولی اگر توبه پس از گواهی شاهدان باشد، از وی ساقط نمی‌گردد (خویی، ۱۴۲۲: ۳۳۸). دلیل استناد به این روایت، همان دلایلی است که در بحث زنا بیان شد. حالت سوم مسئله چنین است که اگر شخص مرتکب جرم شرب مسکر پس از اقرار توبه کند، اکثر فقها بدین باورند که امام در اعمال مجازات بر مرتکب ذی اختیار است (همان، ۴۶۸).

۵-۲-۲. حکم توبه در حد سرقت

قرآن حدود سرقت را این‌گونه بیان می‌کند: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به‌عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است؛ اما آن‌کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می‌پذیرد؛ (و از این مجازات معاف می‌شود؛ زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است» (مائده: ۳۸-۳۹).

۵-۲-۳. حکم توبه در محاربه

یکی دیگر از جرائم مستوجب حد، محاربه است و فقیهان حکم آن را اکثراً پس از سرقت تبیین نموده است. ادله این موضوع نزدیک بودن معنای محاربه با بعضی مصادیق جرم سرقت است. ادله دیگر این‌که امر محاربه و سرقت در قرآن به تعقیب هم بیان گردیده است. اکنون پرسش مطرح این است که اگر محارب پیش از دستگیری و یا پس از آن توبه کند، آیا

توبه محارب سبب اسقاط مجازات می‌گردد یا خیر؟

در پاسخ گفته شده که اگر توبه محارب قبل از سلطه یا دستگیری باشد، حد ساقط می‌شود و این سقوط از صریح آیه ۳۴ سوره مائده استفاده می‌شود. فقها نیز نسبت به آن اتفاق نظر دارند (طوسی، ۱۳۱۶: ۵، ۴۶۷)؛ اما حق الناس بر عهده محارب باقی می‌ماند و در حکم باقی ماندن حقوق مردم هم فرقی میان قتل جرح و مال وجود ندارد. چه مال وجود داشته باشد و چه تلف شده باشد، جبران آن حتمی است. البته برخی به این باورند که تمام حقوق ساقط می‌شود؛ اما در خصوص مال موجود، محارب مجبور به دادن آن است (مقداد فاضل، ۱۴۲۸: ۶۶۹).

۵-۲-۴. حکم توبه در حد ارتداد

توبه به مفهوم بازگشت است. از این جهت بحث توبه در موضوع مرتد، به این معنا است که شخص از کفر بازگشته و مسلمان شود. مرتد از منظر فقه شیعه به دو کتگوری فطری و ملی تقسیم می‌شود. مرتد فطری شخصی است که هریک از والدین یا هر دو در زمان بسته شدن نطفه او مسلمان بوده و او بعد از بالغ شدن از دین بیرون گردد. مرتد ملی فردی است که پدر و مادرش در زمان بسته شدن نطفه او کافر باشند و او پس از بالغ شدن، کافر شود و بعد از آن مسلمان گردد و سپس به کفر باز گردد، مثل نصرانی که اسلام بیاورد و بعد به نصرانیتش باز گردد (خمینی، ۱۴۰۸: ۳۶۶).

اکنون این پرسش مطرح است که اگر مرتد چه فطری و چه ملی توبه کند، آیا توبه تأثیر بر سقوط مجازات حد او دارد یا خیر؟ در جواب این پرسش گفتنی است که آنچه فقهای امامی به آن اجماع دارند، تفصیل میان مرتد فطری و ملی است. از دیدگاه فقیهان امامی مرتد فطری امر سه گانه قتل، مصادره اموال و نقض زوجیت، در وی محقق می‌شود و راه توبه ندارد.

محقق حلی می‌گوید: «من ولد علی الإسلام وهذا لا یقبلُ اسلامه لو رَجَعَ وَیَتَحَتَّمُ قَتْلُهُ وَتَبْنِیْنِ مِنْهُ زَوْجَتُهُ وَتَعَتُّدُ مِنْهُ عَدَةُ الْوَفَاتِ وَیَقْسَمُ أَمْوَالُهُ بَيْنَ وَرَثَتِهِ» (حر عاملی، بی‌تا: ۹۶۱)؛ یعنی توبه مرتد فطری قابل پذیرش نبوده و باید کشته شود، همسرش از آن جدا شود، اموال او بین وارثان تقسیم گردد و عده وفات نگه دارد. ذیل این عبارت صاحب جواهر چنین



می‌گوید: «بلا خلاف معتد به آنچه فی شیء من الاحکام المزبورة بل الإجماع بقسمیه علیها»؛ تفاوت قابل توجه در این امر ندیدم، بلکه متفق منقول و محصل بر آن امر وجود دارد. بنابراین تأثیر توبه بر مرتد فطری مترتب نیست؛ اما از مرتد ملی (مرد یا زن)، خواسته می‌شود که توبه کند و تا سه روز به او مهلت داده می‌شود. اگر توبه کرد، احکام ارتداد از او برداشته می‌شود و الا اعدام می‌شود. البته زن‌های مرتد زندانی می‌شوند و در زندان بر آن‌ها سخت می‌گیرند تا بمیرند.

۶. نقش توبه در سقوط حدود در فقه حنفی و بررسی ادله آن

از آنجاکه حکم فقه حنفی در مورد نقش توبه در سقوط مجازات حدود در مقایسه با فقهای امامیه متفاوت است، به صورت کلی فقه حنفی و همسو با آن برخی دیگر از مذاهب اهل سنت، دلایل ذیل را در مورد تأثیر توبه در سقوط یا عدم سقوط مجازات حدود، مطرح کرده است:

ابوحنیفه، مالک و شافعی (کاسانی، ۱۴۲۴، ۹: ۳۷۳) معتقدند: توبه صرفاً مجازات جرم محاربه را ساقط می‌کند و تأثیر در سایر جرائم ندارد (ابن‌رشد، ۱۴۲۰: ۷۶۶). این گروه استدلال می‌کنند که:

۱. «اصل بر عدم سقوط مجازات به وسیله توبه است و تأثیر توبه منحصر به موردی است که در آن نصی وارد شده است. آنچه استثنا بر اصل است، صرفاً توبه محاربه است که بر اساس نص، مجازات با توبه قبل از دستگیری ساقط خواهد شد و این به جرم‌های دیگر سرایت نمی‌کند» (عوده، ۱۴۰۵، ۱: ۳۵۴). به مقتضای اطلاق و عام بودن آیات حدود، همچون «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (توبه: ۳۸) «دست‌های مرد و زن دزد را قطع کنید» که این نص هم توبه کنندگان و غیر توبه کنندگان را در برمی‌گیرد و نیز آیه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲) زن و مرد زناکار را هریک از آن‌ها ۱۰۰ تازیانه بزنید. خداوند شلاق زدن را به نحو عام برای مجرمی که توبه کرده یا نکرده، قرار داده است (ابن‌قدامة، ۱۴۰۳، ۱۰: ۳۱۶).

۲. سقوط مجازات به وسیله توبه، به تعطیل شدن مجازات منجر خواهد شد؛ زیرا هیچ

مجرمی، عاجز از ادعای توبه نیست.

۳. ماعز زمانی که نزد پیامبر^(ص) آمد و (به طور اختیاری) اعتراف به زنا کرد، پیامبر^(ص) دستور داد که وی را رجم کنند. درحالی که تردیدی نیست که اقرار ماعز نشان از توبه او است و حتی پیامبر^(ص) عمل او را توبه خواند و فرمود: «به حقیقت وی توبه‌ای نمود که اگر بر ۷۰ شخص مدینه تقسیم شود، آنان را کافی است» (شافعی، ۱۴۲۲، ۶۱: ۴).

۴. مجازات کفاره گناه آدمی است و شباهتی بین محاربه و سایر جرائم نیست و نمی‌توان قیاس را در مورد سایر جرائم به کار برد؛ زیرا در موردی که محارب را نمی‌تواند به‌طور معمول دستگیر کرد و در صورتی که قبل از قدرت یافتن بر او، توبه کند، مجازات ساقط می‌گردد. علت پذیرفتن توبه‌اش این است که شخص محارب تشویق به کناره‌گیری از ادامه فساد در روی زمین گردد، ولی در مورد مجرمان دیگر که همیشه در معرض دستگیری هستند، حکمتی در پذیرش توبه و تشویق مجرم به آن وجود ندارد (عوده، ۱۴۰۵، ۱: ۳۵۴).

۷. تأثیر توبه در سقوط مجازات در فقه حنفی

اجماع فقهای اهل سنت اعم از فقهای حنفی، بر این است که توبه محارب، قبل از دستگیری مسقط حد است (همان: ۳۵۳). ابن‌قدامة در بیان این اجماع می‌نویسد: «ما در این مورد خلافتی بین اهل علم نمی‌دانیم و مالک و شافعی و اصحاب رأی و ابو ثور نیز همین نظر را دارن» (ابن‌قدامة، ۱۴۰۳: ۳۱۴).

فقهای اهل سنت نیز مانند فقهای امامی به آیه ۳۴ سوره مائده استناد نموده‌اند. چنانکه ابن‌قدامة در «المغنی» بیان می‌کند: «هرگاه شخصی مرتکب جرمی شود که حق الناس است، باید حق مردم را ادا کند» (همان، ۳۱۴).

علمای اهل سنت در خصوص غیر محارب دو نظر دارند، که نظریه اول سقوط مجازات و نظریه دوم عدم سقوط مجازات است:



۷-۱. سقوط مجازات

برخی از علمای شافعی و برخی از توابع احمد بن حنبل، بر این باورند که توبه بدون قید و شرط سبب سقوط مجازات می‌گردد؛ زیرا قرآن شریف، در جرم محاربه، توبه محارب را پیش از دستگیری، عامل از بین رفتن مجازات می‌داند. از این جهت در برابر جرم غیر محاربه به صورت نخست توبه پیش از دستگیری منجر به سقوط مجازات می‌گردد (عوده، ۱۴۰۵، ۱: ۳۵۳). ادله دیگر در این مورد، آیه ۱۶ سوره نساء است. این آیه که در خصوص توبه شخص زنا کار نازل شده است، حکم به اعراض از مجرمان در صورت وقوع توبه و اصلاح شده است (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۳۱۶). آیه شریفه می‌فرماید: «وَالَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا» هرچند در تفسیر این آیه، تفاوت است آیا مربوط به لواط است یا زنا، ولی در هر صورت، جمله «فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا»، مطلق است. همچنین به آیه ۳۹ سوره مائده استدلال شده است که این آیه شریفه می‌فرماید: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ». طرفداران این رأی همچنین به روایات صادره از پیامبر اکرم^(ص) استناد کرده‌اند. پیامبر^(ص) فرمود: «التائب من الذنب، كمن لا ذنب له» (کلینی، بی تا، ۲: ۴۳۵). بنابراین کسی که مرتکب گناهی نشده است، نمی‌توان اقامه حد بر او نمود (همان، ۱۴۰۳، ۱۰: ۳۱۴). همچنین به «روایت ماعز بن مالک اسلمی» (مسند احمد بن حنبل، بی تا، ۵: ۹۲ - ۹۵) استناد کرده‌اند؛ هنگامی که مالک از گودال فرار کرد، مردم او را گرفته و مجازات کردند. پیامبر^(ص) فرمود: «چرا او را رها نکردید که توبه کند، پس خداوند توبه او را می‌پذیرفت» (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۳۱۶).

۷-۲. عدم سقوط مجازات

این دسته از فقهای اهل سنت که فقه حنفی نیز مشمول آن است، معتقدند که توبه در غیر مورد محاربه، مُسقط حد نیست و در این مسئله تفاوتی بین قبل و بعد از دستگیری نیست (عوده، ۱۴۰۵، ۱: ۳۵۴). مستند این رأی، عمومات و اطلاقات بعضی از آیات قرآن در زمینه اجرای حد است (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۱۰، ۳۱۶).

قرآن کریم در سوره نور می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲) این آیه شریفه، مطلق است و شامل حال توبه‌کنندگان و غیر توبه‌کنندگان می‌گردد.

همچنین در سوره مائده، آیه ۳۸ در مورد حد سارق آمده است: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا».

این آیه شریفه نیز مطلق بوده و شامل همه سارقین می‌شود. قائلین به این رأی معتقدند که عقوبت به سبب توبه ساقط نمی‌گردد؛ زیرا مجازات، کفاره گناه است و باید اجرا شود و شباهتی بین محاربه و سایر جرائم نیست و نمی‌توان قیاس را در مورد سایر جرائم جاری کرد؛ زیرا محارب شخصی است که نمی‌توان او را به‌طور معمول و به آسانی دستگیر کرد. وی در صورتی که قبل از دستگیری توبه کند، مجازاتش ساقط می‌گردد و علت پذیرفتن توبه وی این است که او تشویق به کناره‌گیری از فساد در زمین گردد، ولی در مورد سایر مجرمین که همیشه در معرض دستگیری هستند، حکمتی در پذیرش توبه و تشویق آنان (مجرمین غیر محارب) به آن نیست (عوده، ۱۴۰۵: ۱، ۳۵۴).

نتیجه‌گیری

توبه به‌عنوان یکی از اصول بنیادین مکتب اسلام، جایگاه والایی دارد و همه گناهکاران به‌سوی آن فراخوانده می‌شوند تا مسیر اصلاح و جبران گذشته را طی کنند. این اصل الهی، دریچه‌ای به‌سوی رحمت بی‌کران خداوند است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند توبه همانند دیگر عوامل سقوط مجازات‌ها، فقط موجب سقوط مجازات حق‌الله است و تأثیری بر حقوق مردم ندارد. تفاوت حق‌الله و حق‌الناس در این است که حق‌الله حقی قابل اسقاط است، در حالی که حقوق مردم قابل اسقاط نیست.

از دیدگاه فقه امامی، توبه‌ای که قبل از اثبات جرم صورت بگیرد، موجب سقوط مجازات در حق‌الله می‌شود و قاضی نمی‌تواند مرتکب را مجازات کند؛ زیرا مجازات به‌طور مستقیم به واسطه توبه ساقط شده است؛ اما توبه پس از اقرار به جرم فقط زمینه‌ساز عفو مجرم توسط قاضی و حاکم اسلامی است و به‌طور قطعی مجازات را ساقط نمی‌کند. بر اساس نظر اکثریت فقهای امامی، پس از اثبات جرم به شهادت شهود، توبه اثر سقوط مجازات را ندارد. فقه حنفی نیز توبه را در مورد جرم محاربه موجب سقوط مجازات می‌داند؛ اما درباره سایر جرائم حدی معتقد است که توبه باعث ساقط شدن مجازات نمی‌شود. استناد آن‌ها به این است که تأثیر توبه محدود به جرائمی است که در نصوص صریح آمده‌اند و این موارد



استثنا بر اصل عامند که مجازات را شامل می‌شود.

بنابراین توبه نمادی از رحمت، بخشش و فرصتی برای بازگشت به راه درست است؛ اما آثار حقوقی و کیفری آن در فقه متفاوت است و شناخت دقیق آن ضرورت دارد تا حق الله و حق الناس به درستی تبیین و اجرا گردد. پژوهش حاضر با توجه به یافته‌های قرآنی و فقهی تاکید می‌کند که توبه فقط می‌تواند مجازات‌های مربوط به حقوق الهی را کاهش دهد و از مجازات‌های مربوط به حقوق دیگران تأثیری ندارد و این تمایز بسیار مهمی در نظام حقوق اسلامی است که باید در تصمیمات قضایی و آموزه‌های دینی به خوبی لحاظ شود.

این مطالعه با بررسی و تحلیل مستندات قرآنی و فقهی ضمن نشان دادن اهمیت بنیادین توبه، به عنوان راهی به سوی رحمت الهی، نقش محدود؛ اما مشخص آن در سقوط مجازات‌های کیفری را نیز روشن کرده است که می‌تواند در بهبود فهم و اجرای عدالت اسلامی مؤثر باشد؛ زیرا موضوع مورد بحث را به صورت جامع و منسجم، چارچوب مناسبی را برای درک مفاهیم توبه و مجازات در فقه اسلامی فراهم می‌کند و راهنمایی عملی برای جامعه علمی و حقوقی در مواجهه با موضوع توبه در دعاوی کیفری و مسائل اخلاقی است.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن رشد، محمد بن احمد، (۱۴۲۰)، *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، بیروت: دارالجلیل.
۲. ابن فارس، حسین احمد، (۱۴۱۱)، *معجم مقاییس اللغة*، (تحقیق عبدالسلام محمد هارون)، بیروت: دارالجلیل.
۳. ابن قدامه، محمد بن عبدالله، (۱۴۰۳)، *المغنی و الشرح الكبير*، بیروت: دارالکتاب الفری.
۴. ابوزهره، محمد، (بی تا)، *الجریمه*، بیروت: دارالفکر.
۵. بجنوردی، سید محمدحسن، (۱۴۱۹)، *القواعد الفقهیه*، قم: الهادی.
۶. بشری، محب الله، (۱۴۰۲)، *عوامل عینی سقوط مجازات در حقوق جزای افغانستان و ایران*، (دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی) سال نهم، شماره ۱۸.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، *وسایل الشیعه*، تهران: موسسه آل البيت.
۸. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲)، *مبانی تکلمه المنهاج*، قم: موسسه احیاء آثار امام خویی.
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. شافعی، محمد بن ادريس، (۱۴۲۲)، *الأم*، بیروت: دارالفکر.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۸۰)، *شرح لمعه*: (کتاب الحدود)، قم: نشر قدس رضوی.
۱۲. طاهری، حبیب الله، (۱۳۸۱)، *نقش توبه در اسقاط حدود*، (پژوهش های فقهی).
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۱۶)، *الخلاف*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۴. عمید، حسن، (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی عمید* (دوره یک جلدی)، تهران: فرهنگ نما.
۱۵. العوا، محمدسلیم، (۱۳۸۵)، *درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام*، (ترجمه: حمید صدرآبادی)، تهران: سلسیل.
۱۶. عوده، عبدالقادر، (۱۴۰۵)، *التشريع الجنایی الاسلامی*، بیروت: مؤسسة الرسالة.



۱۷. الغزالی، محمد، (۱۴۰۶)، *احیاء علوم الدین*، بیروت: بی نا.
۱۸. کاسانی، علاء الدین ابی بکر، (۱۴۲۴)، *بدیع الصنائع فی ترتیب الشرایع*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. محمدی، ابوالحسن، (۱۳۷۴)، *حقوق کیفری اسلام*، تهران: مرکز دانشگاهی.
۲۰. معلوف، لويس، (۱۳۸۲)، *فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)*، تهران: نشر اسلام.
۲۱. معین، محمد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: کتاب آزاد.
۲۲. مقداد فاضل، جلال الدین، (۱۴۲۸)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم: نوید اسلام.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۸)، *انوار الفقاهه: کتاب الحدود والتعزیرات*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب^(ع).